



مقایسه اثرگذاری فیلم های داستانی، مستند و انیمیشن بر میزان آگاهی نسبت به سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان پیش دانشگاهی شهر کرمان در سال ۱۳۹۴

حامد کریمی افشار^۱، غلام حسین زارع^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۰۴/۲۹

چکیده

دانشمندان معتقدند بهترین روش پیشگیری از اعتیاد آموزش همگانی است. به نظر می رسد کیفیت یادگیری به میزان وسیعی به کیفیت آموزش بستگی دارد و یکی از عوامل مهم و موثر در کیفیت آموزش، استفاده از ابزارهای خاص آموزشی است. یکی از این روش ها نمایش فیلم هایی با مضمون مرتبط است و تحقیق حاضر اثرگذاری سه ساختار فیلم یعنی مستند، داستانی و انیمیشن بر میزان یادگیری دانش آموزان پایه پیش دانشگاهی می سنجد. روش شناسی این پژوهش به صورت پیمایشی و از نوع پرسشنامه ای در سه گروه است. جامعه پژوهش، دانش آموزان دبیرستانی منطقه یک شهر کرمان بود که به صورت تصادفی تعداد ۷۰ دانش آموز از چهار دبیرستان و در هر دبیرستان دانش آموزان پایه آخر (پیش دانشگاهی) شهر کرمان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه بوده است که طبق برنامه از قبل تعیین شده در دو مرحله میزان آگاهی مورد سنجش قرار گرفت؛ مرحله اول قبل از مداخله و مرحله دوم یک هفته بعد از مداخله. نتایج داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و روش آماری تی زوج و تست توکی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد میزان آگاهی قبل و بعد از آموزش در گروه دوم (فیلم داستانی) و گروه سوم (فیلم انیمیشن) تفاوت معنی داری نداشته ولی در گروه اول (فیلم مستند) بین میزان آگاهی دانش آموزان در قبل و بعد از آموزش اختلاف معنی داری وجود داشته است. با توجه به این نتایج می توان گفت نمایش فیلم مستند یکی از بهترین روش ها در افزایش آگاهی دانش آموزان پایه پیش دانشگاهی نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است.

واژگان کلیدی: سوء مصرف مواد مخدر، آموزش دانش آموزان، اثرگذاری فیلم، مستند، داستانی، انیمیشن.

۱- کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان، (نویسنده مسئول)، ۰۹۱۳۳۹۵۰۵۹۲، karimi28667@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۰۹۱۷۷۰۲۱۶۸۸





مقدمه

از آنجایی که یکی از روش‌های اصلی انتشار اطلاعات در جوامع رسانه‌های دیداری و شنیداری هستند، فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی تأثیر قدرتمندی بر رفتار و هنجارهای اجتماعی دارند. فیلم‌ها، می‌توانند به صورت داستانی و یا بر اساس مستندات و واقعگرایی محض یا به صورت انیمیشن (کارتونی) مردم را با انواع خطرات اجتماعی آشنا سازند، مراقبت‌های لازم را به شهروندان بیاموزند و افراد را برای بهبود شرایط ترغیب و راهنمایی کنند. این در حالی است که برخی معتقدند که فیلم‌ها تأثیر معناداری بر تصویر کلی معضلات و آسیب‌های اجتماعی و جرائم در جامعه دارند. آن‌ها تأکید دارند که گستره این تأثیر تا آنجا است که می‌توان گفت انگاره‌هایی که بر آگاهی عموم مردم درباره جرم سایه افکنده است، به طور عمده محصول رسانه‌هایی چون فیلم‌ها است (عصاریان و همکاران، ۱۳۸۳).

اعتیاد پدیده‌ای است که از زمان‌های دور در جوامع بشری وجود داشته است و در حال حاضر نیز با وجود پیشرفت‌های علمی و افزایش آگاهی مردم، همچنان در حال گسترش بوده و هر ساله افراد زیادی را به کام خود می‌کشد. اعتیاد جنبه تنها فردی ندارد، بلکه یک آسیب اجتماعی محسوب می‌شود و علاوه بر تهدید سلامت جسم و روان افراد بر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز اثرات زیان‌آور و غیرقابل جبرانی وارد می‌سازد. بنابراین مبارزه با اعتیاد مستلزم بکارگیری همه ظرفیت‌های موجود است. از میان عوامل محافظت‌کننده و عوامل خطرآفرین سوء مصرف مواد مخدر، نگرش افراد نسبت به مصرف مواد مخدر از مهمترین عوامل همبسته با مصرف و یا عدم مصرف مواد به حساب می‌آید که مورد تأیید روانشناسان و جامعه‌شناسان است (کوپر^۱ و همکاران ۲۰۰۷). نتایج مطالعات بیانگر آن است که قصد افراد برای سوء مصرف مواد، دست کم در دفعات اولیه مصرف تحت تأثیر نگرش آنان به سوء مصرف مواد قرار دارد (مک کالر^۲ و همکاران ۲۰۰۱).

در این راستا، یکی از مهم‌ترین روش‌های پیشگیرانه در برابر مصرف مواد مخدر و تغییر نگرش، آگاه کردن گروه‌های مختلف مردمی از خطرات و مضرات مواد است. یکی از استراتژی‌های آگاه‌سازی مردم بویژه نوجوانان، آموزش است. بنابراین با آموزش وسیع و همه جانبه مردم در مورد این پدیده اجتماعی می‌توان از بروز و شیوع آن پیشگیری نمود.

1. Cooper
2. McCuller





از آنجایی که درصد زیادی از معتادان از نوجوانی مصرف را شروع می کنند و از طرفی نیز بیشتر نوجوانان در مدارس حضور دارند و با توجه به آمار، میزان گرایش مصرف در نوجوانان پسر نیز بیشتر است. بنابراین آموزش، در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر در مدارس پسرانه از اهمیت ویژه ای برخوردار است (عبدالله پورچناری و گلزاری، ۱۳۸۷). روش آموزشی بر مبنای برنامه دانش محور بنا شده است که هر چه اطلاعات بیشتری در مورد ماهیت مواد مخدر و پیامدهای زیان بار مصرف بدهیم، (الگوی شناختی مصرف و سوء مصرف) نگرش منفی تری در مورد مواد مخدر می توانیم ایجاد کنیم که نتیجه آن کاهش یا اجتناب از مصرف مواد مخدر است. فنون و روش های آموزشی درباره مواد عبارتند از: استفاده از روش های یادگیری مشارکتی، فعال و تعاملی؛ ارائه اطلاعات در قالبی روشن و ساده؛ تکالیف کلاسی جذاب و لذت بخش؛ استفاده از بحث های گروهی که سبب بیان نگرش ها و احساسات درباره مواد می شود؛ استفاده از ایفای نقش؛ استفاده از مجموعه های آموزشی؛ استفاده از تئاتر و نمایش؛ بحث های کلاسی؛ بازی های دارای ساخت و فعالیت های گروهی.

همچنین اطلاع از تأثیرات بلافاصله جسمی مواد مخدر کاهش محسوسی در میزان روی آوردن افراد به مواد مخدر ایجاد می کند. در واقع افراد و به ویژه جوانان و نوجوانان برای اجتناب هر چه بیشتر از مواد، بایستی از آن آگاهی های لازم را داشته و از نگرش دقیق تری بهره مند باشند. آموزش فرایندی است که معطوف بر پژوهش و ترفیع یادگیری است و بایستی بر پایه دانش، مهارت، نگرش ها و قابلیت هایی که از طریق آموزش های پیشین فرا گرفته می شود، بنیان گذاری شود (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۷).

از رایج ترین برنامه های مدرسه برای پیشگیری از سوء مصرف مواد، استفاده از برنامه آموزش سلامت (ارائه اطلاعات درباره مواد)، برنامه های آموزشی و اطلاع رسانی، برنامه هایی که از استراتژی انتشار اطلاعات استفاده می کنند، دانش آگاهی هایی درباره تأثیرات دارویی مواد مخدر، عواقب اجتماعی، روانی و جسمی ناشی از مصرف، نگرش های اجتماعی هنجارها و مجازات های قانونی و آموزش عمومی سلامت است. از سویی، تحقیقات نشان داده اند که نمی توان یک روش واحد را به عنوان بهترین روش برای همه افراد و گروه ها انتخاب نمود.

مفاهیم تحقیق

اعتیاد و فرد معتاد: اعتیاد یک پدیده ی زیستی است که به موجود زنده این امکان را می دهد که خود را به تدریج با بعضی مواد سمی سازش دهد و مصرف روزمره مقادیری از این مواد را





که برای موجود زنده ی دیگر از همان گروه کشنده است را تحمل کند. از نظر فیزیولوژیستها اعتیاد عبارت است از حالتی که استعمال متوالی یا متناوب ماده مخدر در فرد ایجاد می شود، با استعمال مواد مخدر تحریک پذیری سلولهای عصبی و دستگاه عصبی افزوده شده و در نتیجه داروی بیشتری «لازم» است که آن را به حالت تعادل برگرداند. معتاد نیز عبارت است از شخصی که در نتیجه استعمال متمادی دارو، در بدن وی حالت مقاومت اکتسابی ایجاد شده به قسمی که استعمال مکرر آن موجب کاسته شدن تدریجی اثرات آن می گردد. بنابراین پس از مدتی تشخیص مقادیر بیشتری از دارو را می تواند بدون بروز ناراحتی تحمل کند و در صورتی که دارو به بدن او نرسد، اختلالات روانی و فیزیکی موسوم به سندرم محرومیت حاصل می شود (عباسی، ۱۳۸۹).

آموزش همگانی: براساس جامع ترین تعریف، آموزش همگانی عبارت است از پیشگیری از یک مشکل طی فرآیندی مشتمل بر سنجش و ارزیابی اولیه نیازها و وضعیت موجود جامعه به لحاظ سطح و میزان فرهنگ ایمنی و آمادگی در برابر آن مشکل، طراحی و اجرای برنامه های آموزشی از طرق مختلف چون رسانه های تصویری و... و همچنین تلاش مداوم برای بناکردن و نیز حفظ و به روز رسانی میزان آگاهی مردم از طریق انتقال دانش، اصلاح نگرش و ایجاد مهارت های لازم در زمینه اصول و روش های ایمنی، خودامدادی و دگرامدادی (موسوی و شمس پور، ۱۳۸۸).

فیلم داستانی: این ساختار سینمایی از موضعی داستان وار، هم چنین از فضاها یا موقعیت های اغلب ساخته و تنظیم شده استفاده می کند. اساس کار در سینمای داستانی حتی اگر بر مبنای واقعیت شکل گرفته باشد داشتن فیلمنامه ای با یک موضوع چند خطی است که غالباً بر مبنای اصول دراماتیک دارای فراز و فرودهای خاص و شخصیت های خیالی است و ساختاری روایی دارد. فیلمنامه متنی است که در فرم زمانی حال می گذرد حتی اگر در گذشته اتفاق افتاده باشد. در سینمای داستانی رویدادهای گذشته را همانند حوادثی که همین الان در برابر چشم ما اتفاق می افتند می بینیم و تا زمانی که فیلمساز با تمهیداتی به ما نگوید که این تصاویر مربوط به گذشته اند، ما آنها را مربوط به زمان حال می پنداریم بر همین اساس فیلم داستانی تمایل دارد با فضا سازی و صحنه پردازی یک داستان را بازنمایی بصری کند (جواهری، ۱۳۹۳).

فیلم مستند: نه تنها موضوعش واقعی است، بلکه فضا و موقعیت موضوع نیز به

1. Fictional
2. Documentary





تبع آن، به ایجاد شکلی واقع‌نمایانه از سینما، که آن را فیلم حقیقت یا فیلم واقعیت نیز نامیده‌اند، می‌انجامد. در عادی‌ترین واکنش آن نسبت به واقعیت، فیلم مستند بازتاب‌کننده توجه و حساسیت مخاطب به یک پدیده غیرتخیلی و یا خارجی است که با واقعیت تطابق دارد. همان‌قدر که نفس خلاقیت در انیمیشن وابسته به ظرافت و عمل تخیل است و با واقع‌نمایی میانه‌ای ندارد، فیلم مستند وابسته به واقعیت است و موضوعات تخیلی در آن جایی ندارند، اما مثل هر شکل هنری دیگر، تخیل روایی جزو ذاتی خلاقیت هنرمند مستندساز است. به بیان دیگر، موضوع فیلم مستند، بدون وجود فیلم، دوربین و فیلمساز در جهان خارج و عالم واقع وجود داشته و دارد؛ اما بدون روایت شخصی هنرمند و یا بدون نگاه سینمایی مستندساز و به کارگیری روش‌ها و ابزارهای بیان هنری او، شکل هنری ندارد. (ضابطی جهرمی، ۱۳۹۱)

انیمیشن/پویانمایی: عامل تخیل و ذهنیت (به عنوان عناصری که معمولاً در برابر واقعیت خارجی می‌آیند) نقش بسیار زیادی در این ساختار سینمایی دارد و بسته به تکنیک خلق آن، دامنه و شدت این عامل متفاوت است. این شکل از فیلم، ماهیتاً غیر واقعی و یا ضد واقعی است و در برابر واقع‌نمایی که از بارزترین ویژگی‌های سینمای مستند است قرار می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های محصولات انیمیشن/پویانمایی با عنایت به مخاطبان آن که عمدتاً کودکان و نوجوانان هستند، همواره الگوپردازی و هنجارسازی بوده است؛ ویژگی مهم و قابل توجهی که در روان‌شناسی تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در رشد شخصیت کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید. روان‌شناسان معتقدند با ارائه الگوهای درست به فرزندانمان می‌توانیم آسیب‌های روانی آنها را اصلاح کنیم. با کمک کردن به کودکان و نوجوانان برای تخلیه درست هیجانات احساسی‌شان می‌توانیم در سلامت روانی و آرامش روحی آنها موثر باشیم. با ارضای صحیح تمایلات فروخته آنها که از طریق همذات‌پنداری با قهرمانان قصه‌های مصور امکان‌پذیر است خواهیم توانست تاثیر به‌سزایی در تعادل شخصیتی آنها داشته باشیم و روح و روانشان را از عقده‌های مخرب و ویرانگر بپیراییم. تولیدات پویانمایی از جمله مهم‌ترین ابزارهای آموزشی برای دستیابی به این مهم به شمار می‌آیند و باید وجود آنها را در این آشفته‌بازار جذابیت‌های کاذب و بازی‌های رایانه‌ای مخرب، در حقیقت قدر دانست (عسگری، ۱۳۹۱).





پیشینه تحقیق

بهره‌گیری از استراتژی‌های مختلف برای تأثیر بر شیوع اعتیاد ضروری است زیرا عوامل متفاوتی در ایجاد اعتیاد مؤثرند و از طرفی در یک مطالعه نشان داده شده است که بهترین شیوه آگاه کردن افراد تشکیل جلسات گروهی و بحث و تبادل نظر درباره موضوع مورد نظر می‌باشد (رحیمی موقر و همکاران ۱۳۷۹).

در این ارتباط در پژوهش رحمتی (۱۳۸۳) و قادری دهکردی و یارمحمدیان (۱۳۷۹) نیز تأثیرات آنها به اثبات رسیده است. پژوهش برماس^۱ (۱۳۸۷) نیز نشان داد که دانش‌آموزانی که دوره آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر را گذراندند، نگرش منفی‌تری به سوء مصرف مواد مخدر از گروه آموزش ندیده دارند. نتایج تحقیقات (روهرباخ^۲ و همکاران ۲۰۰۱) نشان می‌دهد که روش‌های پیشگیری مبتنی بر رویکرد نشر اطلاعات، صرفاً بر تغییر نگرش و تعداد محدودی از متغیرهای همبسته با سوء مصرف مواد مخدر تأثیر دارند. حال آنکه روش‌هایی که به صورت یکپارچه بر روی ویژگی‌های روانی، شخصیتی، اجتماعی و خانوادگی افراد متمرکز می‌شوند، هم بر تغییر نگرش و هم بر تعداد زیادی از متغیرهای همبسته با سوء مصرف مواد مخدر اثربخشی بالاتری دارند. از طرفی در تحقیق کروگلانکی و هیگنز^۳ (۲۰۰۷) نشان داد که آموزش و آگاه‌سازی از طریق در اختیار گذاشتن اطلاعات مؤثر پیرامون مزایا و معایب هر موضوعی از جمله سوء مصرف مواد می‌تواند نگرش فرد را در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری تغییر دهد. در تحقیق عبدالهی (۱۳۸۷) تأثیر سه روش آموزشی سخنرانی، دفترچه آموزشی و سخنرانی توأم با دفترچه آموزشی را بر میزان آگاهی دختران دبیرستانی شهر گرگان نسبت به بیماری ایدز شد که یافته‌ها نشانگر آن است که روش سخنرانی توأم با استفاده از دفترچه آموزشی یکی از بهترین روش‌ها در افزایش آگاهی دانش‌آموزان نسبت به بیماری ایدز است. هرچند که روش استفاده از سخنرانی به تنهایی نیز باعث افزایش آگاهی می‌شود.

طاووسی، حیدرنیا، منتظری، طارمیان و احمدی (۱۳۸۹) نشان دادند که مداخله آموزشی باعث ارتقای متغیرهای مورد نظر شامل نگرش نسبت به رفتار و نهایتاً افزایش قصد پرهیز از سوء مصرف مواد مخدر در گروه آزمودنی می‌شود. خلیلی و همکاران



1. Bermas
2. Rohrbach
3. Kruglanki & Higgins



(۱۳۹۰) با پژوهش اثربخشی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی نشان دادند که آموزش بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر منجر شده است. از سوی، میراحمدی زاده، نقشواریان و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که آموزش پیشگیری از اعتیاد باعث افزایش آگاهی و بهبود نگرش سربازان شد.

در این راستا، رحمتی و اعتمادی (۱۳۸۵) در پژوهش تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر نشان داد که آموزش مؤثر بوده و به منفی‌سازی نگرش دانش‌آموزان در گروه‌های آزمایش و بر تغییر هر سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری نسبت به سوء مصرف مواد مخدر تأثیر دارد. همچنین در پژوهش استفاده از رویکرد نشر اطلاعات در برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد در میان نوجوانان، یونسی و محمدی (۱۳۸۵) نشان دادند که تفاوت معنی‌داری در نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعتیاد در مقایسه با گروه کنترل بود. کشکولی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که تأثیر آموزش بر روی آگاهی و نگرش پرسنل نسبت به سوء مصرف مواد از نظر آماری معنی‌دار است.

همچنین در آموزش‌های مبتنی به الگوهای نفوذ اجتماعی در زمینه مقابله با فشار همسالان و هنجار نبودن مصرف مواد مخدر (دیشون^۱ و همکاران، ۲۰۰۲) و ارائه برنامه‌های مختلف آموزشی مبتنی بر آگاه‌سازی در خصوص زیان ناشی از مصرف مواد (یونسی و محمدی، ۱۳۸۵) به اثبات رسیده است. در پژوهش بابایی اصل (۱۳۸۶) بررسی میزان آگاهی دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر کرمان در مورد سوء مصرف مواد نشان داد که برنامه‌ریزی صحیح آموزشی، جهت ارتقای سلامتی و افزایش آگاهی نسبت به پیامدهای سوء مصرف مواد تأکید دارد. برنامه مدارس در چارچوب این رویکرد و مدل مبتنی بر ارائه اطلاعات، نیز تأثیرات آنها به اثبات رسیده است. همچنین یکی از برنامه‌ها و راهبردهای پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر تحت عنوان رویکرد نشر اطلاعات که معمول‌ترین روش است، یاد می‌شود. در این روش اطلاعات مناسبی در خصوص مواد، آثار و پیامدهای زیان بار مصرف مواد و همچنین نگرش منفی و باورهای ضد مصرف مواد با استفاده از ابزارهایی مانند نمایش فیلم، ارائه بحث گروهی، سخنرانی و یا استفاده از سایر رسانه‌ها مانند اینترنت، لوح‌های فشرده و سرویس پیام کوتاه در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد (شینکه^۲ و همکاران، ۲۰۰۴). در تحقیق آقابابایی و همکاران



(۱۳۹۱) نشان داد که اثربخشی ۴ روش پیشگیری از سوء مصرف موادمخدر به روش شناختی-رفتاری، آموزش مهارت‌های زندگی، ارائه پوستر و ارسال پیام کوتاه موجب ایجاد نگرش منفی نسبت به موادمخدر می‌شود. لیکن نتایج نشان می‌دهد که روش پیشگیری مبتنی بر رویکرد نشر اطلاعات، صرفاً بر تغییر نگرش و تعداد محدودی از متغیرهای همبسته با سوء مصرف موادمخدر تأثیر دارند (بوتوین^۱ و همکاران ۲۰۰۱؛ روهرباخ و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین آگاه کردن اقشار و گروه‌های مختلف مردم از خطرات و مضرات مصرف مواد می‌تواند راهکار اجرایی مؤثری در سطوح مختلف پیشگیری از اعتیاد باشد. اما در هیچ یک از مطالعات و بررسی‌ها مشخص نیست که کدام ساختار فیلم‌های آموزشی بر روی دانش‌آموزان مؤثرتر است؛ لذا هدف این تحقیق مقایسه سه ساختار اصلی فیلم آموزشی؛ مستند، داستانی و انیمیشن و بررسی اثربخشی آنها بر میزان آگاهی نسبت به سوء مصرف موادمخدر و ارائه راه کارهای اجرایی متناسب با ساختار بازدهی بیشتر بر میزان آگاهی گروه هدف است. با انجام این پژوهش می‌توان بر اساس شناخت جامع‌تر، ساختار اثربخشی را برای دست اندرکاران امور آموزش همگانی در جهت نیل به اهداف مربوطه ارائه نمود.

اهداف، سوالات و فرضیات تحقیق

هدف کلی این پژوهش یافتن یک پاسخ علمی برای سئوالات تحقیق و اثبات فرضیه‌های مورد نظر است:

- آیا در روش آموزش همگانی به صورت نمایش سه ساختار فیلم مستند، داستانی و انیمیشن بر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد تفاوت وجود دارد؟
- کدام ساختار فیلم مستند، داستانی و انیمیشن بر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف اثربخش تر است؟

فرضیه‌های تحقیق

- آموزش همگانی مبتنی بر نمایش فیلم‌های مستند، داستانی و انیمیشن بر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف موادمخدر به یک نسبت اثرگذار است و تفاوت چشمگیری وجود ندارد.
- هر سه ساختار فیلم اثربخشی متناسب با مخاطب خاص خود را دارند ولی برای



دانش آموزان، نمایش فیلم های داستانی اثربخش تر است.

روش تحقیق

در این پژوهش که به صورت نیمه مداخله ای انجام گرفت، جامعه پژوهش حاضر؛ دانش آموزان پسر مقطع پیش دانشگاهی ۴ دبیرستان دولتی (ناحیه یک) شهر کرمان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ است. جهت انتخاب نمونه های مورد نیاز، از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده گردید. برای این منظور در گام اول از بین دو ناحیه آموزش و پرورش با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده ناحیه یک انتخاب و سپس چهار مدرسه نیز به صورت تصادفی انتخاب گردید.

در مرحله بعد، در هر یک از مدارس منتخب کلاس پیش دانشگاهی (سال آخر) انتخاب و تمامی دانش آموزان این کلاس به عنوان آزمودنی وارد تحقیق شدند و در هر کلاس طی مقاطع مختلف سه فیلم مستند، داستانی و انیمیشن با موضوع مواد مخدر طی ۶ جلسه پخش شد.

ابزار گردآوری داده ها

بر اساس موضوع و محتوای آموزشی هر فیلم یک پرسشنامه حاوی ۷ گویه کلی با عنوان های نگرش به ۱- دلایل اعتیاد، ۲- انواع مواد مخدر و اثرات آن ۳- ظاهر معتادین، ۴- شخصیت معتاین، ۵- عواقب فردی ناشی از اعتیاد، ۶- عواقب اجتماعی ناشی از اعتیاد و ۷- راههای ترک اعتیاد. به صورت بی نام و کدگذاری شده در سه دسته بندی مستند، داستانی و انیمیشن توزیع گردید. از آنجا که سوالات پرسشنامه کلی، مشترک و متکی بر درک فرد هستند، آزمودنی باید یکی از گزینه های «درست است، غلط است و نمی دانم» را انتخاب کند.

برای تعیین روایی و اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار سنجی محتوایی استفاده و پس از جمع آوری نظرات و پیشنهادات، اصلاحات لازم برای دست یابی به ابزار روایی مطلوب در پرسشنامه اعمال شد. پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرنباخ برابر ۰/۸ گزارش داده اند (آقابابایی و دیگران، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر و جهت بررسی آمار، ابتدا با استفاده از آزمون آماری ناپارامتری کولموگروف اسمیرونوف، توزیع نرمال بودن میزان آگاهی در هر یک از گروهها مورد تأیید قرار گرفت. سپس جهت مقایسه میانگین میزان آگاهی در سه گروه آزمون آماری تی زوج و تست توکی با سطح اطمینان ۹۵



درصد و معنی داری آزمون‌ها با خطای ۵ درصد استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

نتایج نشان داد که در هر سه گروه میزان آگاهی قبل از آموزش از توزیع نرمال تبعیت می‌کند و میزان آگاهی در قبل و بعد از آموزش در گروه اول (فیلم داستانی) بین میزان آگاهی دانش آموزان اختلاف معنی داری وجود نداشت: $t(20)=0.062 p \geq 0.06$.

در گروه دوم (فیلم مستند) میزان آگاهی در قبل و بعد از آموزش مورد سنجش قرار گرفت که بین میزان آگاهی دانش آموزان اختلاف معنی داری وجود داشت:

$$t(22)=-4.053 p \geq 0.01$$

همچنین نتایج تحقیق نشان داد بین میزان آگاهی دانش آموزان در قبل و بعد از آموزش در گروه سوم (انیمیشن) اختلاف معنی داری وجود ندارد:

$$t(21)=0.075 p \geq 0.05$$

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل آماره‌ها می‌توان گفت در مجموع آموزش از طریق نمایش فیلم مستند تأثیر معنی داری در تغییر نگرش دانش آموزان در تمامی خرده مقیاس‌ها و نمره کل نسبت به اعتیاد و مواد مخدر نسبت به ساختارهای دیگر داشته که آماره‌های توصیفی دانش آموزان بر حسب نگرش قبل و پس از مداخله در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: آگاهی نسبت به سوء مصرف مواد بر حسب نگرش قبل از مداخله و نگرش پس از مداخله

شاخص	گروه	تعداد	نگرش قبل از مداخله	نگرش پس از مداخله	ارزش پی
میانگین \pm انحراف	مستند	۲۳	58 ± 12	82 ± 8	$P \geq 0.001$
	داستانی	۲۵	60 ± 10	65 ± 9	$P \geq 0.05$
	انیمیشن	۲۲	59 ± 11	62 ± 9	$P \geq 0.05$

همچنین برای بررسی تحلیلی هر گویه و اینکه کدام یک از گروه‌ها تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی داشته‌اند و نیز یافتن تفاوت‌های معنی دار در هر گروه از آزمون مقایسه‌ای زوجی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده و طبق اطلاعات مندرج در جدول، بین آموزش از طریق سه ساختار فیلم مستند، داستانی و انیمیشن تفاوت معنی داری وجود دارد و بیشترین تفاوت مربوط به فیلم‌های مستند است.



جدول ۲: مقایسه آزمودنی‌ها بر حسب نگرش پس از آزمون نسبت به ۷ گویه اصلی پرسشنامه

روش خرده مقیاس	دلایل اعتیاد	انواع موادمخدر	ظاهر معتادین	شخصیت معتاین	عواقب فردی اعتیاد	عواقب اجتماعی اعتیاد	راههای ترک اعتیاد
مستند	۰/۴۳۵	۰/۷۴۶	۰/۹۱۸	۰/۲۱۹	۰/۸۷۳	۰/۴۳۸	۰/۷۱۳
داستانی	۰/۶۳۸	۰/۳۲۷	۰/۸۷۰	۰/۴۶۱	۰/۵۲۴	۰/۸۶۳	۰/۱۱۳
انیمیشن	۰/۶۴۲	۰/۴۵۰	۰/۸۵۱	۰/۴۵۳	۰/۶۸۸	۰/۸۵۱	۰/۲۲۶

طبق اطلاعات جدول، ۴ گویه اصلی فیلم مستند اثربخشی بیشتری نسبت به گروه دیگر داشته و ۳ گویه فیلم داستانی و انیمیشن اثربخش تر از گروه دیگر بوده است که در مجموع می‌توان گفت فیلم‌های مستند آگاهی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد را نسبت به فیلم‌های داستانی بیشتر افزایش می‌دهند و فرضیه موجود مبنی بر اثرگذاری بیشتر فیلم‌های داستانی رد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، میزان اثربخشی آموزش همگانی از طریق سه ساختار فیلم مستند، داستانی و انیمیشن بر میزان آگاهی نسبت به سوء مصرف موادمخدر در دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفت. اولین یافته پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مبتنی بر نمایش فیلم بر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد تأثیر مثبت دارد. این یافته با نتایج حاصل از برخی مطالعات پیشین همخوانی دارد.

دومین یافته پژوهش نشان داد که نمایش فیلم‌های مستند تأثیر معناداری در نگرش دانش‌آموزان قبل و بعد از مداخله داشته است. فیلم‌های مستند در بازخورد نسبت به سوء مصرف موادمخدر مؤثرتر هستند زیرا دانش‌آموزان را با رویدادهای واقعی درگیر می‌کنند و یادگیری از طریق نمایش مستندات، اساس کار را تشکیل می‌دهد که با توجه به حضور کارشناسان و مباحث مطروحه در مورد موضوع، آگاه‌سازی و یادگیری اتفاق می‌افتد. در این ساختار فیلم‌مذمی توان روی یک موضوع یا نکته متمرکز شد؛ می‌توان مقدار زیادی از مواد و مطالب آموزشی را در مدت کوتاهی ارائه نمود؛ می‌توان به آسانی برنامه زمان‌بندی شده یا زمان صرف شده روی موضوعات را کنترل کرد؛ تصاویر برای دانش‌آموزان آشنا هستند و با آن راحت تر ارتباط برقرار می‌کنند.

از سویی، یافته دیگر این پژوهش نشان داد که دو ساختار دیگر یعنی داستانی و انیمیشن نیز بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد تأثیر مثبت دارند. به





نظر می‌رسد که آموزش به روش نمایش فیلم‌های مختلف به دانش‌آموزان کمک کرده است که آگاهی آنها نسبت به سوء مصرف موادمخدر افزایش یابد. این نتیجه همسو با برخی از تحقیقات قبلی است. در همین راستا مطهری و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی نشان داد که آموزش به روش بسته آموزشی دارای تأثیر بیشتری بر ارتقای سطح آگاهی و نگرش دانشجویان در زمینه ایدز دارد. زیرا بسته آموزشی یک وسیله ارتباطی مؤثر است، در آموزش بکار می‌رود و این بسته می‌تواند جزء موارد آگاه‌سازی باشد و از طریق آن می‌توان میزان آگاهی دانش‌آموزان مؤثر شد. همچنین با مطرح شدن نظریه‌های جدید یادگیری و تأکید آنها، بر نیازهای یادگیرندگان، ارتباط آموزش با زندگی واقعی یادگیرنده، و ایجاد شرایط واقعی برای یادگیری و توجه به رویکرد سیستمی در آموزش، کاربرد ابزارها و وسایل در آموزش اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. این منجر به تغییر دیدگاه‌های جاری و پیدایش نگاهی جدید و جامع نسبت به ابزارها و وسایل آموزشی شد، در نتیجه بسته آموزشی مطرح گردید که شامل مجموعه منابع، مواد و ابزارهای آموزش هماهنگ است که برای نیل به هدف آموزش خاص سازمان یافته است. بنابراین بسته آموزشی می‌تواند بر آگاهی دانش‌آموزان مؤثر باشد (دبیرخانه شورای هماهنگی علمی، ۱۳۸۵).

علاوه بر این، در بررسی تفاوت بین سه ساختار فیلم، نتایج نشان داد که بین دو شیوه داستانی و مستند تفاوت معنی‌دار است و می‌توان بیان داشت که در شیوه داستانی، آگاهی نسبت به سوء مصرف مواد نسبت به فیلم مستند و انیمیشن کمتر افزایش یافته است. در این راستا پژوهش برماس (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که دوره آموزشی پیشگیری از سوء مصرف موادمخدر باعث افزایش نگرش منفی تری به سوء مصرف موادمخدر شده است. این یافته با نتایج تحقیق اسماعیلی وردنجانی و مسعودی نیز همخوانی دارد در تحقیق عابدینی و همکاران (۱۳۹۰) آموزش به روش گروهی مهارت‌های زندگی در پیشگیری از اعتیاد مؤثرتر بوده است. در همین راستا خوش نیت و همکاران (۱۳۸۲) نشان دادند که در روش‌های آموزشی، ابتدا آموزش گروهی و بعد از آن آموزش از طریق کتابچه در افزایش آگاهی مراقبین بهداشتی بر میزان آگاهی در برخورد با کودکان دیابتی تأثیر دارد.

با نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که روش‌های آموزشی نمایش انواع فیلم بر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف موادمخدر تأثیر مثبت دارند که در بررسی اثربخشی این سه روش می‌توان بیان داشت با توجه به ماهیت مشکل سوء مصرف موادمخدر که بیشتر حاصل مشکلات فردی و جامعه‌شناختی است، موضوع خوبی جهت فیلم‌های مستند است. در نتیجه اینگونه فیلم‌ها تأثیرگذارتر خواهند بود.





لذا پیشنهاد می‌شود که در کلاس‌های آموزش آگاهی سوء مصرف مواد مدارس پخش فیلم‌های مستند نیز در دستور کار قرار گیرد. با توجه به اینکه آموزش از طریق نمایش فیلم‌های داستانی یک طرفه بوده و مسئله مواد مخدر نیز یک بحث چالش برانگیز است، لذا پخش فیلم‌های داستانی و انیمیشن در مقام بعدی روش تدریس قرار می‌گیرند.

بنابراین این پژوهش در تعمیم نتایج به عمل آمده محدودیت دارد. عدم امکان استفاده از حجم بالای نمونه، عدم استفاده از دانش‌آموزان دختر و محدودیت ابزار پژوهش در خصوص استفاده از شیوه خودسنجی که احتمال سوگیری یافته‌ها و عدم کنترل سایر متغیرهای تأثیرگذار در طول پژوهش، محدودیت‌هایی هستند که در این تحقیق برجسته‌اند و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، این موارد مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- آقابابایی، عزیزالله؛ جلالی، داریوش؛ سعیدزاده، حمیدرضا و باقری، سهیلا. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی چهار روش پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر بر نگرش و عزت نفس دانش‌آموزان مجتمع‌های فرهنگی تربیتی و خوابگاهی کمیته امداد امام خمینی (ره). فصلنامه اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد. ۶، ۲۱، (۱)، ۱۵-۱۱.
- بابایی اصل، فائزه. (۱۳۸۶). بررسی میزان آگاهی دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر کرمان در مورد سوء مصرف مواد. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان. ۱۶، ۱۶، (۱)، ۳۰-۲۸.
- بریس، نیکلا؛ کمپ، ریچارد و سنلگار، رزمی. (۱۳۸۴). تحلیل داده‌های روانشناسی با برنامه اس پی اس اس. ترجمه خدیجه علی آبادی و علی صمدی. تهران: نشر دوران.
- برماس، حامد. (۱۳۸۷). کارایی دوره آموزشی فرد - مدار در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر. مجله علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. ۸، ۲۹، (۷)، ۶۶-۴۷.
- جلالی، داریوش؛ منشی غلامرضا و مظاهری، محمد مهدی. (۱۳۹۰). تأثیر روش‌های پیشگیری از سوء مصرف مواد در هیجان طلبی، امنیت روانی و باز خورد نسبت به سوء مصرف مواد مخدر در نوجوانان شهر اصفهان. مجله روانشناسی تحولی. ۷، (۲۷)، ۲۶۷-۲۵۵.
- خوش‌نیت، محسن و همکاران. (۱۳۸۲). مقایسه تأثیر سه روش آموزشی بر میزان آگاهی مراقبین بهداشتی در برخورد با کودکان دیابتی مدارس ابتدایی شهر تهران در سال ۱۳۸۲. مجله دیابت و لیپید ایران. ۷، ۶، (۴)، ۳۴۹-۳۴۳.
- دبیرخانه شورای هماهنگی علمی. (۱۳۸۵). اصول راهنمای تهیه بسته آموزشی. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- رجایی، علیرضا و بیاضی، محمدحسین. (۱۳۸۵). تأثیر یک برنامه پیشگیری از اعتیاد بر





عزت نفس، نگرش، گرایش و آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی. ۸۶، ۳۰-۷۱.

- رحمتی، عباس و اعتمادی، احمد. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف موادمخدر. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز. ۱، (۴).

- رحیمی موقر، آفرین؛ محمدرزاقی، عمران؛ نوری‌خواجوی، مرتضی؛ حسینی، مهدی و فیض‌زاده، گلناز. (۱۳۷۹). راهنمای پیشگیری و درمان اعتیاد. تهران: انتشارات معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.

- رحمتی، علی. (۱۳۸۳). نقش آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به شیوه بحث گروهی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به موادمخدر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه علامه طباطبائی.

- سازمان بهداشت جهانی. (۱۳۸۷). خلاصه پیشگیری از سوء مصرف مواد در کودکان و نوجوانان. مترجمین رضا رادفر و محبوبه زارعی. اصفهان: انتشارات سازمان بهزیستی استان.

- شعبانی، حسن. (۱۳۸۶). مهارت‌های آموزشی. تهران: انتشارات سمت. جلد ۲ و ۱.
- طارمیان، فرهاد؛ مهریار، امیر هوشنگ. (۱۳۸۶). اثربخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پیشگیری از مصرف موادمخدر در دانش‌آموزان دوره راهنمایی. مجله علم پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان. ۱۶، (۴)، ۳۸-۲۹.

- طاووسی، محمود؛ حیدرنیا، علیرضا؛ منتظری، علی؛ طارمیان، فرهاد و احمدی، مهدی. (۱۳۸۹). تأثیر مداخله آموزشی نظریه محور در پیشگیری از سوء مصرف موادمخدر در نوجوانان. مجله پایش. ۱۰، (۱)، ۹۹-۹۱.

- عابدینی، علی‌رضا؛ فاتحی، مریم؛ محمدی فرد، زهرا و منیرپور، نادر. (۱۳۹۰). اثربخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به روش گروهی در پیشگیری از سوء مصرف مواد در دانشجویان ساکن خوابگاه. مجموعه مقالات منتخب ۳۰ کنفرانس استانی پیشگیری از اعتیاد در سال ۱۳۸۹. تهران: چاپ طرح و نقش.

- عباسی، حسین. (۱۳۸۹). روش‌های پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی. همایش پیشگیری از مصرف مواد.

- عبدالهی، علی. (۱۳۸۷). مقایسه تأثیر سه روش آموزشی بر میزان آگاهی دختران دبیرستانی شهر کرگان نسبت به بیماری ایدز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه دانشگاه علامه طباطبائی.

- عبدالله‌پور، مرتضی. (۱۳۸۷). آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان



مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه علامه طباطبایی.

- عبدالله‌پور چناری، مرتضی و گلزاری، محمود. (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.

- عساریان، فاطمه؛ امیدی، عبدالله و اکبری، حسین. (۱۳۸۳). بررسی ویژگی‌های روانشناختی و شخصیتی جوانان وابسته به مواد مخدر افیونی در شهر کاشان. فصلنامه علمی پژوهشی فیض. ۸۸، (۲۹)، ۴۷-۴۱.

- کشکولی، فرامرز؛ حاجبی، احمد؛ فریدنیا، پیمان و ظریف، محمدصادق. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش بر آگاهی و نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در پرسنل شرکت‌های پتروشیمی منطقه پارس جنوبی. مجموعه مقالات منتخب ۳۰ کنفرانس استانی پیشگیری از اعتیاد در سال ۱۳۸۹. تهران: چاپ طرح و نقش.

- مطهری، مریم‌السادات؛ حجازی، شیرین؛ شاه‌نظری، ژاسمن و محمودی، محمود (۱۳۸۴). مقایسه تأثیر دو روش آموزشی در زمینه آیدز بر میزان آگاهی و نگرش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان در سال ۱۳۸۲. مجله گام‌های توسعه در آموزش پزشکی. ۲، (۱)، ۵۴-۵۳.

- موسوی، مجتبی، شمس‌پور، نواب. (۱۳۸۸). مجموعه فعالیت‌های آموزش همگانی پیشگیری و آمادگی مقابله با سوانح در جمعیت هلال احمر و مروری بر عملکرد آموزش همگانی. موسسه علمی کاربردی هلال ایران.

- میراحمدی‌زاده، علیرضا؛ نقشواریان، مجتبی؛ مقدمی، محسن؛ همتی، عبدالرسول پارساپور، رکسانا. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد بر آگاهی و نگرش سربازان. مجله طب نظامی. ۱۲، (۱)، ۳۷-۳۳.

- Botvin, G. J., Griffin, K. W & Williams, M. (2001). Drug abuse prevention among minority adolescents: post test and one-year follow up of school-based preventive intervention. *Prevention Science*. 2(1); 1-13.

- Cooper, M. L., Frone, M. R., Russel, M & Muder, P. (1995). Drinking to regulate positive and negative emotions. A motivational model use. *Journal of Personality and Social Psychology*. 69, 990-1005.

- Dishon, T., Kavanagh, K., Schneiger, A. K., Nelson, S & Kaufman, N. (2002). Preventing early adolescent substance use: A family centered strategy



for the public middle school. *Prevention Science*. 3(3), 191-202.

- Kruglanski, A. W. & Higgins, E. T. (2007). *Social psychology*. Davision of Guilford Publications, Inc.

- McCuller, W. J., Sussman, S., Dent, C. W. & Teran, L. (2001). Concurrent prediction of drug use among high – risk youth. *Addictive Behaviors*. 26, (1), 137-145.

- Rohrbach, L. A., Sun, P. & Sussman, S. (2010). One-year follow up evaluation of the project toward no drug abuse (TND) dissemination trail. *Preventive medicine*. 51(3, 4), 311-319.

- Schinke, S. P., Di Noia, J. & Glassman, H. R. (2004). Computer-mediated intervention to prevent drug abuse and violence among high-risk youth. *Addictive Behaviors*. 29, 225-229.

